

ادبیات گُردی: گامه‌ها و گرایش‌های بالندگی

پروفسور کنیاز ابراهیم میرزوف
برگردان از روسی: د. کامران امین آوه

”

“

نیش

زندگی نامه نویسنده

کنیز ابراهیم میرزویف، زبان شناس و خاورشناس برجسته گُرد، در اول ماه مه ۱۹۴۷ در روستای ریگانلو، شهرستان ماسیس ارمنستان به دنیا آمد. او دانش آموخته دانشکده زبان شناسی دانشگاه دولتی ارمنستان (به نام «خ. آبوویان») بود. کنیز میرزویف، دارنده دکترای در علوم زبان شناسی و رتبه پروفیسوری، ریاست گروه زبان های خاور دانشگاه آموزش ملی آبی قزاقستان، هموند فرهنگستان علوم بین المللی مدرسه عالی و علوم اجتماعی جمهوری قزاقستان بود.

کنیز میرزویف، هموند شورای مجمع خلق قزاقستان، رئیس انجمن "به ربانگ" کردهای جمهوری قزاقستان و نایب رئیس اتحادیه بین المللی انجمن های اجتماعی گُردها، بنیان گذار و مدیر مدرسه گُردشناسی قزاقستان، سردبیر مجله ادبی، هنری، علمی و اجتماعی "نوبار"، هموند هیات مدیره اتحادیه نویسندگان قزاقستان و نماینده انجمن بین المللی «قلم» در قزاقستان و آسیای میانه، همچنین هموند چندین سازمان پژوهشی گُرد در جهان، از جمله پاریس، بروکسل، برلین و فرهنگستان علوم گُردستان عراق و غیره بود.

پروفیسور میرزویف، نویسنده بیش از ۳۰۰ اثر، از جمله ۱۱ تئنگاری بود. نخستین کتاب درسی "زبان گُردی" (برای کلاس های ۲ تا ۹) و مجموعه های آموزشی و روش شناسی نسل نوین به زبان گُردی، همچنین کتاب های «روابط تاریخی - فرهنگی قزاقستان با کشورهای خاور دور در زمینه زبان شناسی تطبیقی» (به صورت کار مشترک نگارندگان، در دو جلد)، «گُردها: ارزش های معنوی و اخلاقی» (آلمان، پالماریوم، ۲۰۱۵)، «گُردها: تاریخ و زمان معاصر» از نوشته های اوست. دو جلد از کتاب های او، به نام «گُردها در برخوردگاه تاریخ» - جلد ۱، و «گُردها: تاریخ و زمان معاصر. میراث فرهنگی گُردها» - جلد ۲ (آلماتا، ۲۰۱۶) به مناسبت ۲۵ سالگی همایش مردم قزاقستان منتشر شدند.

میرزویف به زبان های تُرکی، فارسی، قزاقی،

روسی، آذربایجانی، ارمنی و گُردی چیرگی داشت. او که سروده ها و ترجمه های بسیاری هم به زبان گُردی دارد، از زمره شخصیت های بلندپایه قزاقستان بشمار می رفت و در سال های زندگی علمی، جایزه های بسیاری دریافت کرده بود؛ از آن جمله اند: مدال های دولتی قزاقستان؛ نشان «حرمت» مدال طلای شورای خلق های قزاقستان «یگانگی»، نشان لومونوسف، مدال "برای خدمت به توسعه علوم جمهوری قزاقستان"، نشان «ی. آلتین سارین» (۲۰۱۳)، مدال «محمود کاشغری - ۱۰۰۰».

کنیز میرزویف در روز هشتم اگوست ۲۰۲۱ در سن ۷۴ سالگی در قزاقستان درگذشت.

ادبیات گُردی: گامه ها و گرایش های بالندگی

تجربه ادبیات جهانی نشان می دهد که ادبیات ملی در پیوند با روند عام هنری می تواند رشد کند. هر ادبیات ملی، که بازتابی است از یگانه بودن ویژگی های ملی و ذهنیت یک ملت، در همان حال سهم خود را در روند ادبیات جهانی ایفا می کند.

ادبیات گُردی از نظر سیر و سرنوشت و راه های رشد خود بی همتاست، گرچه برخی ویژگی های سبکی و ژانری آن به ادبیات اوراسیا و کشورهای خاورمیانه بسیار نزدیک است، زیرا در پیوند و همکنشی دیرپا با آنها شکل گرفته و بالیده است. پیوستگی ادبیات گُردی با ادبیات آذربایجان اهمیت تاریخی دارد. پیوندهای ادبی گُردی و آذربایجانی پر بر و بار و چندجانبه اند و دستاورد نزدیکی معنوی دو ملت بشمار می رود. آذربایجانی ها و گُردها راه دشواری را پیموده اند؛ آنها سده ها همدوش و یار و یاور یکدیگر بوده اند. دوستی آنها در پیکار با دشمنان خارجی، در جبهه های پیکار برای آزادی استوار تر شد و در گذر سده ها پایدار مانده است. در این رابطه، تاریخ داده های بسیار سرشاری را دل خود نگه داشته است. در جنبش گسترده «خرمدینان» و در



پیکارهای بابک برضد چیرگی عرب‌ها در سده نهم میلادی، گردها از هم‌زمان دلیر آذربایجانی‌ها بودند.

گردها بطور مستقیم در برپایی یک دولت مستقل در گستره آذربایجان شرکت داشتند. در سده دهم و یازدهم میلادی، امیران گرد از دودمان شدادیان در قلمروی آذربایجان می‌زیستند و گنجه، پایتخت آن زمانه را آباد کردند.

قطران تبریزی، شاعر نامدار آذربایجان در سده یازدهم، سروده‌هایی در ستایش از پادشاهان شدادی سروده است. به گفته فرهنگ‌وند حمید ارسلی: «در سده یازدهم، شهر گنجه مرکز دودمان گرد شدادیان بود. این دودمان کارهای مهمی برای توسعه اقتصادی و فرهنگی شهر انجام داد. پایتخت بودن گنجه تأثیر مهمی بر رشد ادبیات و هنر گذاشت. شاعر پرآوازه تبریزی، قطران تبریزی، در دربار شدادیان به شهرت رسید و در همین‌جا شماری از قصیده‌ها، غزل‌ها، رباعی‌ها و قطعه‌های زیبای خود را سرود. هرچند به شهر زادگاهش بازگشت، اما آنجا نتوانست ماندگار شود و دلتنگی برای گنجه او را دوباره به این شهر کشاند». شاعر و دانشمند به گنجه بازگشت و در زمان لشکری دوم، بیش از ۱۵ قصیده در ستایش او سرود. آفریده‌هایش که با دربار شدادیان پیوند دارد، یکی از برگ‌های گیرای تاریخ روابط ادبی و فرهنگی گردها و آذربایجانی‌ها است. آغاز تاریخ پیوندهای اجتماعی و فرهنگی دو ملت را می‌توان از همین دوره مهم دانست و گواهان فراوان تاریخی و ادبی حکایت از داد و ستد گسترده آنها در همه پهنه‌های زندگی دارد.

ادبیات آذربایجان جایگاه برجسته‌ای در ادبیات خاور نزدیک و میانه در سده دوازدهم میلادی داشت. شکوفایی و گرایش‌های انسان‌دوستانه آن با نام‌های خاقانی شیروانی و نظامی گنجوی گره خورده است. در پژوهش‌های ادبی، این دوره «نوزایی آذربایجان» خوانده می‌شود که زمان شکوفایی پیوندهای فرهنگی گردها و

آذربایجانی‌ها است. نوزایی ادبی آذربایجان بر ادبیات گردی سده‌های میانه - بر گرایش آن به انسان‌گرایی، بر چرخش آن بسوی بیان «احساسات قلبی» و بر پرداختن به شور و شوق روحی قهرمانان تأثیر مستقیم بر جای گذاشت. کاردانی بسیار و ژرفای فلسفی شعرهای افضل‌الدین خاقانی نقش مهمی در شکل‌گیری احمد ملا جزیری داشت که مکتب شعری خود را بنیان نهاد. در جهان‌بینی، بینش هنری - زیبایی‌شناسانه و موضوع‌های عاشقانه دو شاعر، نزدیکی نظام‌مند حس می‌شود. جزیری سراینده اشعار غنایی و هم‌دوره خاقانی و روستاولی، خود با آنها آشنا بود و آفرینشگرانه از توانمندی شعر خاقانی بهره برده است.

همچنین، هنگام سخن گفتن از اثرگذاری بارآور ادبیات آذربایجان در سده دوازدهم بر ادبیات گردی، نمی‌توان نام نظامی گنجوی را از نادیده گرفت. شاید در سراسر تاریخ چند صد ساله، نتوان هیچ استاد بیان هنری گرد یافت که از این شاعر هوشمند تأثیر پذیرفته باشد. از جمله، این تأثیر در منظومه‌های حماسی شاعر سده چهاردهم، قفّی تیران، و در شاهکار جاودانه «مم و زین»، آفریده شاعر و هنرمند کبیر احمد خانی (۱۵۹۱-۱۶۵۲)، و نیز در منظومه «لیلی و مجنون» حارث بدلیسی (سده هجده) خود نمایی می‌کند - اثری که حتی گاه به‌عنوان ترجمه کار نظامی ارزیابی می‌شد.

جالب است که آ. ژابا، خاور شناس روس، «لیلی و مجنون» بدلیسی را ترجمه‌ای به همین نام از منظومه نظامی می‌دانست.

اما به حق باید گفت که به باور م. ب. رودنکو، منظومه حارث بدلیسی ترجمه نیست، هر چند تحت تأثیر نظامی سروده شده است: «... نمی‌توان منظومه حارث بدلیسی را صرفاً ترجمه گردی اثر نظامی نامید. حارث بدلیسی به هیچ یک از پیشینیان خود اشاره نمی‌کند و هیچ اطلاعی درباره منابع نگارش منظومه ارائه



نمی‌دهد. در فصل‌های آغازین، او می‌گوید که علت نگارش این منظومه گویا درخواست دختری کُرد بوده است که خواسته بود منظومه «لیلی و مجنون» از فارسی به کُردی ترجمه شود».

نظامی اندیشمندی ژرف نگر و نژاده بود که اندیشه‌هایش از مفاهیم نوزایی اروپا در زمینه انسان‌دوستی، عشق والا، فداکاری و ضرورت مبارزه فعال برای برقراری عدالت، خیلی پیشی گرفته بود. هر نسل کارهای او را همچون پدیده‌ای زنده و امروزی می‌بیند. میراث اش الهام‌بخش شاعران، نویسندگان و اندیشمندان بسیاری بوده و در گسترش اندیشه‌های اجتماعی و فلسفی نقشی مهم داشته است. او نخستین کسی بود که در شعر و هنر مسائل مربوط به بهروزی و خوشبختی انسان را مطرح کرد، و از این رو، بسیاری از شاعران و اندیشمندان، با دامنه بخشیدن به اندیشه‌های انسان‌دوستانه این اندیشمند بزرگ، درونمایه آثار او را سرشارتر ساختند.

نمایندگان ملت‌های خاورمیانه و نزدیک که آثار خود را به زبان‌های تُرکی، فارسی، عربی، اردو، کُردی، قزاقی و جز آنها آفریده‌اند، بیش از هزار اثر درباره موضوع‌هایی در پیوند با کارهای نظامی، و تعداد بی‌شماری شبیه و همتا از خود بر جای گذاشته‌اند. همچنان بسیاری از نویسندگان، نقاشان، موسیقی‌دانان و پیکرتراشان به آفریده‌های او روی می‌آورند و از آنها الهام می‌گیرند.

سال تولد نظامی را ۱۱۴۱ میلادی می‌دانند. نام کامل شاعر «الیاس، پسر یوسف، پسر زکی موید» است. جایگاه ویژه کُردها در گنجه، دلیل کوچ پدر نظامی از شهر قم به این شهر شد. به‌گفته پاری از پژوهشگران از آنجا که مادر نظامی - رئیس - کُرد تبار و دختری از سرکرده‌های یکی از دودمان‌های کُرد بود، با دودمان شدادیان، که پیش از اتابکان در سده‌های ۱۰ و ۱۲ میلادی بر گنجه حکومت می‌کردند، ارتباط داشت.

پدر و مادر شاعر در کودکی اش درگذشتند و سرپرستی او را دایی اش، «خواجه عمر» برعهده گرفت و او را به مدرسه دینی گنجه فرستاد؛ مدرسه‌ای که در آن نسبت به زمان خود دانش‌های چشمگیری اندوخت. شاعر آداب و رسوم کُردها، زندگی، فرهنگ عامه، تاریخ و باورهایشان را به‌خوبی می‌شناخت. بعدها در منظومه «لیلی و مجنون» با مهری فراوان از مادرش یاد کرد. نظامی، شهرتی که شاعر برگزید، به معنای «نظم دهنده سطرها» یا «سامان دهنده واژه‌ها» است. این واژه از ریشه عربی «نظم» می‌آید که به «رشته مروارید» و نیز به سخن سنجیده اشاره دارد.

مطالعه تطبیقی کارهای نظامی و ح. بدلیسی نشان می‌دهد که «لیلی و مجنون» اثر شاعر کُرد، ترجمه نیست، گرچه تأثیر اثر اندیشمند بزرگ [نظامی] در آن آشکار است. پژوهش‌های گوناگون بر تبارمندی کار بدلیسی تأکید دارند. فرهنگ‌وند (آکادمیسین) ی. ا. برتلس، در کنار منظومه‌های هم‌نام نظامی و فضولی، به کار حارث بدلیسی نیز اشاره کرده است.

شخصیت‌های علمی و فرهنگی کُرد دبستگی ویژه‌ای به ادبیات آذربایجان نشان می‌دادند. شاعر برجسته، احمد خانی، که به سرنوشت تلخ مردم خود به گونه‌ای ژرف می‌اندیشید، توجه به آثار هنرمندان پیشرو ملت‌های همسایه و بهره‌گیری از تجربه آنها را بسیار مهم می‌دانست. از نکته‌های چشمگیر این روابط ادبی، نزدیکی میان منظومه «مم و زین» خانی و «لیلی و مجنون» فضولی است. سبک ویژه، تبارمندی ملی، زبان پربار و میهن‌دوستی والا، اثر خانی را در شمار شاهکارهای جاودانه ادبیات خاورمیانه قرار داده است.

گرایش به سنت‌های خاور زمینی، به‌ویژه گیرایی شعر فضولی، امری طبیعی و منطقی بود. در آن زمان، کارهای شاعر آذربایجانی میان روشنفکران کُرد، که با زبان‌های عربی، فارسی و تُرکی آشنا

بودند، محبوبیت فراوان داشت. احمد خانی، که به چندین زبان چیره بود، ادبیات هنری را با دقت مطالعه می‌کرد. موضوع «مم و زین» که از روایت عامیانه گردی برگرفته شده و «لیلی و مجنون» فضولی، بهترین گواه بر این [گرایش] است.

سبک غنایی و رمانتیسیم، سترگی عشق راستین و تصویرهای بی‌همتای شعر فضولی، شاعر گرد را به خود جذب کرده و الگوی سبکی‌اش شد. همان‌طور که لیلی قهرمان فضولی و زین قهرمان خانی، با شمع، پروانه، ابر و ماه درد دل می‌کنند و از سرنوشت خویش ناله سر می‌دهند و رنج دوری را تاب می‌آورند، مم نیز چون مجنون دل‌باخته‌ای رنج‌دیده است. هر دو زوج - لیلی و مجنون، مم و زین - سرانجام به هم نمی‌رسند و به نماد جاودان عشق بدل می‌شوند.

قهرمانان منظومه والا و یکتا و سرشار از عشقی رمانتیک هستند. سبک غنایی - رمانتیک منظومه، به رخ نمایی ویژگی‌های قهرمانان، احساس و اندیشه‌ای که همچون بلور پاک است، یاری می‌رساند.

عشق حماسی یکی از محبوب‌ترین گونه‌های (ژانرهای) شعری خاورمیانه است و سنت‌های شعری در داستان احمد خانی نیز بازتاب یافته‌اند. در این میان، فضولی چون راهبری نیکخواه با مشعلی در دست، همراه اوست. شعرهای عالی رمانتیک، آنها را به هم نزدیک می‌کند. لازم به اشاره است که پیوندهای هنری شعر کلاسیک آذربایجان و گردستان دربرگیرنده برجسته‌ترین کارهای هر دو ملت است که ویژگی‌های تاریخی - تیپولوژیک [نوع‌شناختی] رشد هنری آنها را بازتاب می‌دهد. تاریخ‌نگار و دولتمرد برجسته گرد، شرف‌خان بدلیسی (۱۵۴۳-۲/۱۶۰۱) نقش مهمی در استوارسازی این پیوندها ایفا کرد.

بدلیسی که در سال‌های ۱۵۵۱ تا ۱۵۵۵ همراه با شاهزاده‌ها در دربار شاه طهماسب صفوی آموزش دید و پرورش یافت، سرپای زندگی‌اش با آذربایجان پیوند خورده بود. توانایی‌های

نمایش در سال‌های جوانی، در سال ۱۵۵۵، مورد توجه امیر سالیان، محمودآباد و شیروان قرار گرفت. در سال ۱۵۸۳ شاعر به نگارش کار پرآوازه «شرف‌نامه» پرداخت؛ متنی که از دیدگاه بررسی تاریخ آذربایجان نیز اهمیت دارد.

تاریخ نگار برجسته گرد، عبدالرزاق دنبلی (۱۷۶۲-۱۸۲۷) - نویسنده کارهای ارزشمندی درباره تاریخ ایران و آذربایجان - نقش مهمی در ارتباط فرهنگی آذربایجانی‌ها و کردها ایفا کرده است.

کتاب «[تذکره] نگارستان دارا» نه تنها سرچشمه ای ارزشمند از نظر داده‌های تاریخی به شمار می‌رود، بلکه از نظر تاریخ آذربایجان نیز کاری یگانه است. گزارش‌های پر و پیمان این نوشته درباره دوران خانات آذربایجان در سده هفدهم، به ویژه خانات قره‌باغ، بسیار درخور توجه است. این کتاب با دیپاچه پدرومانه دکتر عبدالرسول خیام‌پور آغاز می‌شود که در آن، داده‌های تازه‌ای از زندگینامه نویسنده و چاپ کارهای او آمده است. همچنین در کار دیگر عبدالرزاق دنبلی به نام «تاریخ دنبلی» برگ‌های پرشماری به ویژه به تاریخ آذربایجان پرداخته است.

رستم‌خان دنبلی، دانشور سده نوزدهم، از دودمان سرشناس گرد دنبلی، در رساله‌های تاریخی - فلسفی خود به مسائل رشد ادبیات آذربایجان می‌پردازد. نوشته او «شرحی از گذشته» نه تنها برای تاریخ‌پژوهان، بلکه برای پژوهشگران ادبیات معاصر نیز درخور توجه است. او به سرچشمه‌های تاریخی و کارهای فردوسی، سعدی، مولوی، قطران تبریزی، عطار، باباطاهر، خاقانی و دیگر بزرگان ادب بازمی‌گردد.

روابط ادبی و فرهنگی آذربایجانی - گردی در سده نوزدهم با کوچیدن بخشی از کردها به قفقاز جنوبی توان بیشتری گرفت. پس از امضای سازشنامه‌های گلستان و ترکمانچای، که برپایه آن آذربایجان شمالی به سرزمین روسیه پیوست، خانواده‌ها و دودمان‌های گرد ایران و ترکیه در



نخجوان، گنجه و قره‌باغ ساکن شدند. شباهت موجود میان فرهنگ عامهٔ آذربایجانی و کُردی بسیار چشمگیر است. داستان‌هایی همانند «عاشیق غریب»، «اصلی و کرم»، «کوراوغلو»، «للی و مجنون» که در اصل آذربایجانی هستند، با بازآفرینی روایت‌های خود ویژه، به گستردگی در میان کُردها بازار گرمی یافت. از نظر درونمایهٔ میان منظومهٔ «مم و زین» و داستان آذربایجانی «اصلی و کرم» همانندی‌های بسیاری وجود دارد.

از نظر همانندی‌های موضوعی و تصویری میان روایت‌های آذربایجانی و کُردی داستان «عاشیق غریب» شگفت‌انگیز است. در کار پرآوازهٔ «کوراوغلی» نیز زندگی و شیوهٔ گذران مردم بازتاب یافته است. کُردها دربارهٔ قهرمانان این منظومه‌ها - از جمله قاجاق نبی و همسرش هاجر - ترانه‌ها، افسانه‌ها و سروده‌های بی‌نهایت لطیف و شاعرانه آفریده‌اند.

خویشاوندی آوازاها و داستان‌های مردم آذربایجان و کُرد بازنمای پیوند معنوی آنها است. نماد روشن آن را در داستان «کوراوغلی» می‌توان دید؛ یادمانی با شکوه از ملت برادر که رواج و گسترش وسیعی یافته است. چنان که پیداست، گونه‌های گوناگون گرجی، ارمنی، ترکی، ترکمنی، ازبکی و غیره از آن وجود دارد. شخصیت قهرمان و شجاع کوراوغلی در فرهنگ تودهٔ مردم کُردها هم جایگاه چشمگیری دارد. سیمای قهرمانی کوراوغلی برای مردم کُرد خویشاوند و آشناست و شخصیت‌های کُردی در داستان، همدلی ژرفی نسبت به این حماسه می‌آفرینند. در قصهٔ «کوراوغلی و شبان‌های کُرد»، در افسانه‌ها، شعرها، ترانه‌ها و حتی لایه‌های با عشق و دل‌بستگی از کوراوغلی قهرمان یاد می‌شود. بازتاب این مناسبات دو سویهٔ تاریخی را می‌توان در عنوان موعام‌ها و ترانه‌های مردمی آذربایجان دید: «کُرد - شهرار»، «بیات - کُرد»، «کُرد - افشاری»، «کُردها»، «آغیر کُردی»، «کورد قیزی».

در آذربایجان، نخستین نوشتار دربارهٔ ادبیات کُردی از آن جعفر خندان است. شایان توجه است که فرهیختهٔ آذربایجانی آن نوشتار را به هزار - شاعر برجسته کُرد معاصر - اختصاص داده است. نوشتار یادشده با عنوان «شاعر با استعداد کُرد، هزار» در سال ۱۹۴۵ در شمارهٔ پنجم مجلهٔ «شفق» (نشریه ماهانهٔ شعبهٔ تبریز انجمن روابط فرهنگی ایران) چاپ شد. جعفر خندان، آن زمان که هزار تازه فعالیت ادبی خود را آغاز کرده بود، شعرهای اولیه او را به زبان آذربایجانی ترجمه کرد. این امر که شاعر جوان مورد توجه و ستایش قرار گرفت، نقش سازنده‌ای بر سرنوشت او داشت. دربارهٔ هزار بعدها نوشتارهایی به زبان آذربایجانی انتشار یافت. در سال ۱۹۶۱، انتشارات آذرنشر کتاب سروده‌های او را با عنوان «ترانه‌های کُردی» به همراه پیش درآمد بلند بالای رحیم قاضی، کُردشناس، به زیر چاپ برد و در آن، هزار چنان هنرمندی برجسته و امروزمین معرفی شد.

در دههٔ ۱۹۶۰ پژوهش‌هایی پیرامون شاعران برجسته کُرد در آذربایجان انجام گرفت. فعالیت انستیتوی ملل خاور نزدیک و میانهٔ آکادمی علوم جمهوری آذربایجان اتحاد سوسیالیستی شوروی به گسترش و ژرفش بررسی تاریخ و ادبیات کُرد یاری رساند.

یکی از این شاعران کُرد که زندگی و کارهایش در آذربایجان بطور همه‌جانبه مورد بررسی قرار می‌گیرد، عبدالله گوران است. چنانکه، حسین علی‌شانوف رسالهٔ دکترای خود را دربارهٔ کارهای او نوشت و در سال ۱۹۶۹ تک‌نگاری «شعر شاعر معاصر کُرد، عبدالله گوران» را منتشر کرد. ج. علی‌شانوف دربارهٔ جایگاه گوران در ادبیات کُردی چنین می‌نویسد:

«پس از جنگ جهانی دوم، واقع‌گرایی در پهنهٔ ادبیات کُردی رشد بیشتری یافت. در این دوره، کارهای عبدالله گوران بیش از همه به چشم می‌نخست. امروزه گوران به عنوان یک هنرمند نوآور،

در اوج بالندگی در شعر معاصر کُردی قرار دارد. در پژوهش‌ها، نوآوری در کارهای ع. گوران و به ویژه نوآوری از جنبه اجتماعی، برجسته شده است. در یک تکنگاری، زندگی و گذرراه‌های هنری این شاعر، همچنین اصول هنری - زیباشناختی اش که به غنای شعر کُردی یاری رسانده است، بررسی می‌شود.

در میان آثار فرهیختگان آذربایجانی درباره ادبیات کُردی سده بیستم، باید به کتاب «شاعر مردم»، نوشته شامیل عسگروف، اشاره کرد؛ او از رساله دکترای خود با عنوان «شعر شاعر معاصر کُرد - جگرخون» دفاع کرد (عسگروف. ش؛ «شاعر مردم»، باکو، ۱۹۶۸).

شعر «جگرخون» بر بستر سنت‌های ادبیات پیشروی امروزی کُرد و چوان بازتابی اصیل از این ادبیات بررسی شده است. به گفته نویسنده کتاب، «جگرخون آوازه‌خوان آرمان‌های بزرگ، پیکار و میهن‌پرستی است و در همان حال هنرمندی تواناست و کارهای او - آیین زندگی مردم است». پژوهشگر روند شکل‌گیری دیدگاه‌های اجتماعی شاعر را پی می‌گیرد و به بازنمایی ویژگی‌های شعر او می‌پردازد؛ هم از نظر محتوایی و هم از نظر شکلی. چیرگی پژوهشگر [ش. عسگروف] به زبان کُردی این امکان را به او می‌دهد که دیده‌های خود را با سند و دلیل آوری ترسیم کند. با این بررسی، ما تصویری کامل از شاعر بدست می‌آوریم. پژوهشگر به حق نتیجه می‌گیرد که «شیخموس جگرخون، یکی از والاترین و پیشروترین شاعران معاصر کُرد، شایسته خوانش و بررسی ژرف است. تصور شعر معاصر کُردی بدون جگرخون دشوار است». نگاه دقیق داشتن به شاعران نامدار کُرد سده بیستم - هزار و جگرخون - در آذربایجان پیش از هر چیز به این دلیل است که کارهایشان پدیده‌ای نو در ادبیات بشمار می‌رود. در شعرهای اصیل آنها مبارزه ملت‌های خاور برای آزادی و پیشرفت اجتماعی بازتاب یافته است.

باید از فعالیت‌های ز. [زمرد] شفیع‌اوا - رحیم‌اوا و ا. آپیا در گستره پژوهش ادبیات کُردی یاد کرد. شفیع‌اوا در کار خود «ژانر منظومه در شعر معاصر کُردی» به بررسی بالندگی شعر حماسی و رابطه آن با سنت‌ها و احساس جهان‌بینی ملی می‌پردازد. نویسنده ویژگی مهم شعر حماسی معاصر کُردی را در تنوع موضوعی و بازنمایی زندگی و آداب و رسوم مردم می‌داند. شعر [معاصر کُردی]، بر پایه واقعیت‌های زندگی ناسازگار و معاصر، با واقع‌گرایی اصیل و وسعت حماسی بازنمایی واقعیت‌ها متمایز می‌شود. همه‌ی این ویژگی‌ها، به باور ز. شفیع‌اوا، امکان سخن گفتن از نوآوری در شعر حماسی کُردی را فراهم می‌آورد.

آپی‌اوا در نوشتار «مترجم روح ملت»، داده‌های گسترده‌ای درباره فرهنگ عامه کُردی و گفته‌های کنشگران علمی و ادبی نام‌آور پیرامون گنجینه‌های ملی را گرد آورده است. این فرهیخته ادیب‌پژوه، نسخه‌های گردآوری‌شده فرهنگ عامه را واکاوی می‌کند و ویژگی‌های سبکی و محتوایی آن را روشن می‌سازد. توجه ویژه‌ای به هم‌آوایی خطوط ویژه فرهنگ عامه کُردی و آذربایجانی می‌کند.

بدین‌سان، دلبستگی ژرف ادبیات‌پژوهی آذربایجان به ادبیات کُردی، نوشتارهای فرهیختگان بزرگ آذربایجانی درباره تاریخ ادبیات کُردها، سنت‌ها و مسائل آن، بخشی مهم از پهنه همکاری فرهنگی دو ملت را تشکیل می‌دهد. ادبیات‌پژوهان آذربایجانی، غنای فکری و محتوایی ادبیات کُردی و حرکت آن در راستای واقع‌گرایی اصیل را ارج فراوان می‌نهند.

گرایش‌های اساسی در پژوهش‌های علمی در آذربایجان و میراث چندجانبه‌ی ادبیات‌پژوهی، مطالعه‌ی ادبیات کُردی را به مرحله‌ای نوین ارتقا داده، به روشن‌سازی مسائل مهم آن یاری می‌رسانند. تکنگاری‌هایی درباره‌ی ع. گوران، ع. هزار و ش. جگرخون را باید به‌عنوان گام‌هایی مهم در راستای شناخت آثار آنان و بنیان‌گذاری



تاریخ علمی ادبیات کردی ارزیابی کرد. موضوع کرد و ترسیم قهرمان مثبت، جایگاه شایسته‌ای را در ادبیات آذربایجان اشغال می‌کند. نویسندگان آذربایجانی، کردها را به عنوان قهرمانان، پیکارگران و میهن پرستانی تزلزل‌ناپذیر نشان می‌دهند که در جستجوی آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاقی والا هستند.

ما در کارهای نویسندگان و نمایشنامه نویسان آذربایجانی که درونمایه تاریخی دارند، با قهرمانان کرد روبه‌رو می‌شویم. م. س. [محمد سعید] اردوبادی در یکی از بهترین رمان‌های تاریخی خود به نام «شمشیر و قلم»، که به زندگی نظامی گنجوی می‌پردازد، درونداستان‌های زیادی را وارد می‌کند که در رابطه با کردها است.

همان گونه که پیداست، مادر شاعر و اندیشمند بزرگ آذربایجانی، کرد بوده است. در رمان «شمشیر و قلم»، یکی از شخصیت‌ها - حاکم گنجه، امیر اینانچ - که دل خوشی از شاعر جوان ندارد، از او می‌پرسد:

- «چرا مخالف خلافت هستی؟»

شاعر در پاسخ می‌گوید:

- «این خلافت نیست که عموهای من زیر سایه‌اش زندگی می‌کنند، بلکه این خلافتی است که زیر سایه شمشیر عموهای من به حیات خود ادامه می‌دهد.»

در فراسوی این گفته‌ها معنای ژرفی نهفته است. در ادامه، نویسنده با اشاره به ارج و آبرویی که صلاح الدین ایوبی، فرزند بزرگ ملت کرد، از آن برخوردار بوده، می‌نویسد:

«خبر درگذشت فرمانروای بی‌باک و شکست‌ناپذیر خاور، صلاح الدین ایوبی، سبب دگرگونی‌های بنیادینی در خاور زمین شد.»

جالب آن‌که در رمان، شخصیت‌های آذربایجانی حتی یک‌بار هم در پهنه کارزار با قهرمانان کرد رویاروی نمی‌شوند.

شاعر ملی آذربایجان، ص. [صمد] ورغون، به روشنی احساس عشق شاعرانه خود را به ملت

کرد بیان کرده است. انترناسیونالیسم بخشی از ویژگی‌های سامان‌مند شخصیت هنری و قریحه شاعرانه او بود. سرنوشت فاجعه بار ملت کرد همواره دل شاعر را به درد می‌آورد.

در شعر آذربایجانی [ورغون] مهروری راستین قلبی نسبت به کردها بازتاب یافته است.

چهره پردازی «دختر زیبای کرد»، چنان نماد سادگی و بی‌آلایشی احساسات، در شعر شاعران آذربایجانی به یک سنت تبدیل شده است.

روابط آذربایجانی و کرد خصلتی دوجانبه و پایدار دارد. همان‌طور که موضوع‌های کردی از دیرباز در ادبیات آذربایجان بازتاب یافته، نمایندگان ادبیات کردی نیز کوشیده‌اند در کارهای خود احساسات نیک منشانه خویش را نسبت به ملت آذربایجان بیان کنند.

ادبیات کردی ماورای قفقاز، ادبیات نوشتاری نوپا به شمار می‌رود. آغاز آن با آفرینش‌های شاعران و نویسندگانی چون ع. شامیلوف، ح. جندی، ا. آودال، و. نادری، ج. جلیل، ج. گنجو، آ. شارو، و. باکو و دیگران پا گرفت.

در ادامه، نویسندگان و شاعران توانای تازه‌ای چون م. رشید، ک. مراد، ت. برو، ج. اسد، ک. چیاچانی، ش. حسن، س. ایوو، آ. عبدالرحمان، ف. اوسوب، س. شامو، آ. بوییک، آ. شمس، و. آشو، آ. سردار، چ. راش و دیگران گام به این گستره گذارند.

روزنامه «راه نو» ("ریا تازه")، که از سال ۱۹۳۰ در ایروان منتشر می‌شود، در رشد ادبیات کردی نقش بی‌مانندی ایفاء کرده است. این روزنامه در پایه‌گذاری و دامنگستری فرهنگ ملی نقش‌آفرین بوده و بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی نوین و نوسازی زندگی و گذران کردها تأثیری سودمند داشته است. تاریخ شکل‌گیری و گسترش ادبیات کردی در ماورای قفقاز تا اندازه‌ای در کانون توجه جامعه قرار گرفت. در برگ‌های این روزنامه نخستین نمونه‌های ادبیات نوین و نیز ارزیابی ادبی کردی پدیدار شد.

و کرم» و «بهادر و سونا» اختصاص داد. نویسندگان نوشتارها، بر فرهنگ حرفه‌ای هنر والای آپرای آذربایجان پافشرده و شگفتی و شیفتگی تماشاگر کُرد را نسبت به موسیقی ملت برادر منعکس ساختند.

در برگ‌های روزنامه در سال ۱۹۶۹ داده‌ها و نوشتارهای تحلیلی درباره برنامه‌های تور هنری تئاتر آکادمی دولت آذربایجان به نام م. عزیز بیکوف منتشر شد. نمایش‌هایی همچون «روستایی»، «واقف»، «ماری تودور» و غیره، که بر پایه نمایش‌نامه‌هایی از شخصیت‌های برجسته تئاتری بود، با ستایش و سپاس‌گویی تماشاگران کُرد ایروان روبه‌رو شدند.

آ. گاپو، نویسنده کُرد، در نوشتار «زندگی روی صحنه» برداشت‌های خود از اجرای نمایشنامه «روستایی»، کار م. ابراهیموف، را بازآفرینی می‌کرد. در نمایشنامه «واقف»، صمد ورغون استادانه تصویری تماشایی از یک کُرد می‌آفریند؛ تصویری که آ. عبدالرحمان در برگ‌های روزنامه در باره آن می‌نویسد و موضوع اصلی نمایش تئاتری - عشق به هنر - را بازنمایی می‌کند.

روزنامه بگونه‌ای باورپذیر آوازه جهانی ادبیات کلاسیک آذربایجان را نشان می‌داد، نوشته‌هایی درباره بزرگداشت نسیمی، م. ف. آخوندوف، م. ا. صابر، عاشیق علی‌اصغر، ج. محمدقلی‌زاده و نوشتارهایی در باب توانمندی و آرمان‌های انسانی کارهای ص. ورغون، ج. جبارلی، م. ابراهیموف و دیگران منتشر می‌کرد. به‌عنوان نمونه، نویسنده در نوشتاری که مختص به آثار م. ف. آخوندوف است، اشاره کرده بود که او نخستین نمایشنامه‌نویس در ادبیات خاورزمین است. با نمایشنامه‌نویسی و نثرنویسی آخوندوف مرحله تازه‌ای در پهنه رشد واقع‌گرایی در ادبیات کشورهای خاور آغاز شد. همچون مهم‌ترین پیامد، تأثیر او بر رشد نیروهای پیشرو ادبیات ملت کُرد مورد توجه قرار گرفت.

روزنامه «راه نو» بطور گسترده استادان هنر

بر برگ‌های روزنامه «راه نو»، بررسی همه‌جانبه پیوندهای چندجانبه ملت‌های آذربایجان و کُرد به روشنی بازتاب یافت. در آن روزنامه، پژوهش‌های ارزشمندی درباره ادبیات آذربایجان و نیز نوشتارهای کارهای هنری منتشر گردید.

این روزنامه دستاوردهای آذربایجان را تبلیغ می‌کرد و در نوشته‌های به چاپ رسیده خود پیشرفت اجتماعی - سیاسی این جمهوری، سنت‌ها و دوره‌های پیکار رهایی‌بخش آن را بازنمایی می‌کرد. ما با حق‌شناسی، نقش آن در بازتاب روابط آذربایجانی‌ها و کُرد‌ها در دوران نو را یادآور می‌شویم. بازتاب گسترده دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی در آذربایجان، گرایش‌های اصلی در بالندگی زبان هنری کُرد و آوازه‌گری دستاوردهای ادبیات آذربایجانی به زبان کُردی از جافتاده‌ترین شکل‌های پیوند معنوی میان دو ملت ما به‌شمار می‌روند.

موارد بسیار جالبی مانند انتشار کارهای نویسندگان کُرد درباره آذربایجان، تاریخ و سنت‌های انقلابی آن وجود دارد. برای نمونه می‌توان به نوشته‌های به چاپ رسیده درباره ۲۶ کمیسر باکو در شماره ویژه روزنامه «راه نو» همراه با عکس‌های س. شائولمیان [شائولمیان]، م. عزیزبیکوف، آ. جاپاریدزه، ای. فیولیتوف، م. وزیرف، پ. زوین و دیگران اشاره کرد؛ نوشتارهای سیاسی - اجتماعی درخشان درباره سرنوشت آنان. برگی جداگانه از سوی گروه نویسندگان روزنامه به زندگینامه م. عزیزبیکوف، فرزند نامدار ملت آذربایجان، اختصاص یافته بود.

روزنامه «راه نو» از دهه ۱۹۳۰ میلادی تا امروز کار پربار و پیگیری برای آشنا کردن خواننده کُرد با فراپویی‌های ادبیات مادری انجام داده و نیروی پرشور زبان هنری را منتقل کرده است.

لازم به یادآوری است که در سال ۱۹۶۲، در پیوند با برنامه‌های هنری تئاتر آپرا و باله آذربایجان به نام م. ف. آخوندوف در ایروان، گروه نویسندگان روزنامه برگ‌های کاملی را به آپراهای «اصلی



سخن آذربایجان را معرفی می‌کرد. برای نمونه، نوشتار میکائیل رشید درباره رمان «شامو» کار نویسندۀ ملی آذربایجان، س[سلیمان]. رحیموف جالب توجه است. از دهه ۱۹۶۰، «کتابخانه رمان‌های تاریخی ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» منتشر شد که در آن، برجسته‌ترین کارهای نویسندگان ملی گنجانده می‌شد.

نقش روزنامه «راه نو» در شکل‌گیری ارزیابی ادب کردی بسیار مهم است. نوشتارهایی درباره کارهای نویسندگان روس، ارمنی، گرجی، اوکراینی و همچنین نمایندگان برجسته ادبیات آذربایجان را می‌توان همچون نمونه‌هایی از ارزیابی ادبیات کردی در نظر گرفت، چرا که این نوشته‌ها سرشار از ارج‌گزاری به میراث فرهنگی ملت‌های برادر هستند.

م. رشید شعری را به صمد ورغون پیشکش کرده است که در آن شخصیت و سیمای این استاد نامدار سخن، جان گرفته و زنده می‌شود. نخستین چیزی که دیدارگران با پا گذاشتن به پایتخت آذربایجان می‌بینند، مجسمه صمد ورغون است؛ کسی که در آثار خود سیمای میهن را به روشنی و به گونه‌ای بی‌مانند بازآفریده است. تاریخ در سنگ مرمر جان گرفته است؛ این خاطره دل‌هاست، چرا که ورغون «در دل‌های ما جا دارد».

در آثار ع. شامیلوف، همچون «شبان کرد» و [قلعه] «دم - دم»، جایگاهی ویژه به درون داستان‌هایی (اپیزودهایی) داده شده است که با آذربایجان پیوند دارند.

پیوند ادبیات کردی و آذربایجانی ریشه‌های ژرفی دارد - که از همگونی‌های فراوان فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی - اجتماعی و سیاسی سرچشمه می‌گیرد - و این پیوند در سده بیست و یکم نیز همچنان برجا مانده است.

پیوند های تاریخی- فرهنگی ادبیات کردی و

ارمنی، که به دلیل همزیستی این دو ملت در یک سرزمین واحد منطقه‌ای - جغرافیایی شکل گرفته است، به دوردست‌های سده‌های گذشته باز می‌گردند و زمینه ساز شباهت‌هایی در آداب و رسوم و سنت‌های آنان شده است. در تاریخ‌نگاری عمومی و به‌ویژه در گردشناسی علمی، پراج‌ترین و بنیادی‌ترین سرچشمه برای بررسی ویژگی‌های قومی - تاریخی، سیاسی - اجتماعی و به‌ویژه فرهنگی - اسطوره‌ای کردهای باستان، رویدادنامه‌های کهن ارمنی است. در نوشتارهای ارمنی، نام کردها از سده‌های هفتم و هشتم میلادی به‌عنوان اسم خاص یاد شده است. یک ملت گاه از سوی ملت دیگر حتا با دو یا سه نام گوناگون شناخته می‌شد. برای نمونه، ارمنی‌ها بطور سنتی دو نام برای خلق کرد به کار می‌بردند: «مار» و «کرد».

بسیاری از بزرگ زادگان ارمنی از سده‌های هفتم - هشتم میلادی نام‌هایی همچون کرد، کردیک، کردو و نام‌های دیگری از این دست داشتند. برای مثال، یکی از فرمانروایان گرانمایه ولایت سیونیک در سده‌های هشتم - نهم «گردایشخان» بود. همچنین «ایشخان» (شاهزاده) «کردیک» در سده نهم در ارمنستان کوچک زندگی می‌کرد. در سده دوازدهم آرتسرونی، امیر کرد، نفوذ سیاسی بزرگی در ولایات گرجستان و در دربار داشت. او عموی [یا دایی] ایوانه و زاخاره زاخاریان (زکریانی‌ها، زاکاریان) بود که نقش بسیار مهمی در گستره نظامی - سیاسی در آرات ایفا کردند. ده‌ها شخصیت سیاسی و فرهنگی ارمنی را می‌توان نام برد که نام «کرد» داشتند. در سده هشتم بخش بزرگی از نمایندگان مردم کرد به اسلام روی آوردند، در حالی که بخشی کوچک همچنان به باورهای بت پرستانه خود (کردهای ایزدی) پایبند ماندند. با این وجود، دلبستگی دوسویه این مردم به یکدیگر حفظ شد.

سرچشمه‌های کهن گردشناسی، فرهنگ‌نامه‌های کردی - ارمنی، دوییتی‌ها، امثال و حکم و

دیگر نمونه‌های ادبیات شفاهی مردمی در بنیاد دست‌نوشته‌های [کهن] ماتتاداران به نام م. [مسروپ] ماشتوتس نگهداری می‌شوند. در فرهنگ عامه‌گردی نیز روایت‌ها و اشاره‌هایی درباره‌ی شاعر بزرگ ارمنی سده‌های میانه، گریگور نارکاتسی، وجود دارد که گردها به او عشق می‌ورزیدند و احترام می‌گذاشتند.

در منظومه‌ی پرآوازه «شیخ صغان»، اثر فقی تیران، شاعر برجسته‌ی گُرد سده‌ی چهاردهم، که در منطقه‌ی حکاری زاده شد و [آثار مهمی] می‌آفرید، دختری مسیحی به‌عنوان یک ارمنی به تصویر کشیده می‌شود. این موضوع تصادفی نیست، زیرا او دیر زمانی در کنار ارمنی‌ها زیسته بود و در کار خود احترام و همدلی صادقانه‌اش را به آنان بیان کرد.

در «شرف‌نامه»، اثر شرف خان بدلیسی، تاریخ نگار نامدار گُرد سده‌ی شانزدهم نیز داده‌های چشمگیری درباره‌ی تاریخ، فرهنگ عامه و قوم نگاری ارمنی‌ها آمده است.

نویسندگان ارمنی نیز در کارهای خویش به بن‌مایه‌ها، درون‌مایه‌ها و سوژه‌های گردی پرداخته‌اند. کارهای هنری و نمونه‌های فرهنگ عامه‌ی بسیاری به زبان ارمنی درباره‌ی دوستی تاریخی میان این دو ملت که سده‌ها دوام آورده، خلق شده‌اند.

رشد پیوندهای ادبی گردی - ارمنی با پیدایش ادبیات نوین ارمنی که بنیان‌گذار آن، خاچاتور آبوویان (۱۸۰۹-۱۸۴۸) روشن‌گر و هنرمند انترناسیونال بود، نیروی تازه‌ای گرفت. عشق او به ملت گُرد بر بنیان آرمان‌های انسان‌دوستی و دگر خواهی بود. خ. آبوویان ترانه‌ها و دیگر نمونه‌های فرهنگ عامه‌گردی را گرد آورد و برای نخستین بار در سال ۱۸۴۸ به دست چاپ سپرد که این امر نشانه‌ی روشن دلبستگی ژرف نویسنده‌ی ارمنی به زندگی گردها بود. پژوهش‌ها و یادداشت‌های خ. آبوویان جایگاه برجسته‌ای در گُردشناسی دارند. نوشتارهایش با عنوان‌های

«گردها»، «ایزدی‌ها» سرچشمه‌های گرانمایه و قابل اتکایی نه تنها برای پژوهشگران ارمنی و روس، بلکه برای گُردشناسان اروپایی نیز به شمار می‌روند.

در سال ۱۸۴۱ در ترکیه، روشن‌گر ارمنی م. تیگرانیان «قانون بهزیستی مردم گُردستان و ارمنستان» را نگاشت و کتابی به زبان گُردی با عنوان «چراغ‌های روشن» به چاپ رساند. در دهه‌ی ۱۸۶۰، بر پایه‌ی الفبای ارمنی، او الفبای گُردی و «کتاب الفبا برای کودکان گُرد و ارمنی» را نوشت که یک برگ آن به گُردی و برگ دیگر به ارمنی نوشته شده بود.

س. یگیازاروف، قوم‌نگار برجسته، و خاچاتوروف، استاد سرشناس، دست‌اندرکار گردآوری و انتشار نوشته‌های فرهنگ عامه و قوم‌نگاری گُردهای ارمنستان شدند. یگیازاروف بیشتر به بررسی نوشته‌های قوم‌نگاری پرداخت و یک رشته گزارش قوم نگاری نوشت. خاچاتوروف هم فرهنگ عامه گُردها را بررسی می‌کرد و نمونه‌هایی از ادبیات شفاهی آنان مانند ترانه‌ها، قصه‌ها، چیستان‌ها و جز آن را گردآوری می‌کرد. گونه‌هایی (ژانر) که او هم به زبان اصلی و هم با برگردان روسی ارائه نمود چشمگیر و پرمحتوا بودند. ک. خاچاتوروف نوشت: «گذشته‌ی تاریخی گُردها در تاریکی ناپدید می‌شود»، اما با خوش‌بینی می‌افزود: «[اما] در آینده پژوهش‌های تازه و ژرفی انجام خواهد گرفت».

نوشتارهایی از م. شووتا همانند «گُردهای ارمنستان ترکیه» و «ایزدی‌ها - کرمانج»، پژوهش‌های س. تر-مانوئلیان و دیگران نیز در خور توجه هستند. بدین ترتیب، دایره‌ی نگرش‌های گُردشناسی ارمنی پیش از انقلاب اکتبر نیز گسترده بود.

رمان‌نویسان برجسته‌ی ارمنی، پ. پروشیان (۱۸۳۷-۱۹۰۷) و رافی (۱۸۳۵-۱۸۸۸)، چهره‌های به‌یادماندنی گُردی را آفریدند: گاسو و گوله در رمان «گونو»ی پ. پروشیان، عمرآقا



و مستو در داستان «جلال‌الدین» رافی، جاوو در رمان «خت» [ابله] و میر موسوم در رمان «اخگرها».

در کارهای نویسندهٔ ارمنی، و. [ورتانس مسروبی] پاپازیان (۱۹۲۰ - ۱۸۶۴)، ویژگی‌های نمودار زندگی کردها بازتاب یافته است. او از دوران کودکی زبان‌های روسی، آذربایجانی، کردی، فارسی و همچنین تاریخ و فرهنگ این ملت‌ها را فرا گرفت. در کارهایی همچون «در درهٔ آباگا»، «چلب» و «نخستین عشق» شناخت نویسنده از زندگی کردها به‌خوبی احساس می‌شود. در داستان «لور - دالور» که نام خود را از یک نغمه کردی گرفته، نویسنده می‌کوشد تا گیرایی شاعرانه افسانه‌های ملی کردها را حفظ کند و پاس دارد. با قلم او، عشق رمانتیک شخصیت‌ها جان می‌گیرد، احساسات آسوی جسور و نیرومند نسبت به زالخه‌ی زیبا و وفادار، شاعرانه بازآفرینی می‌شود. تصویر واقع‌گرایانه آسو به شیوه‌ای عاشقانه پرداخته شده و به او ویژگی بی‌هماندی می‌بخشد. همچنین نویسنده، چهره زالخه را زنده و باورپذیر به نمایش می‌گذارد. این داستان که در سال ۱۸۹۴ در مجلهٔ «مُرچ» انتشار یافت، بعدها به زبان‌های بسیاری از ملت‌های جهان، از جمله به آذربایجانی، ترجمه شد.

روی‌آوری به فرهنگ عامهٔ کردی، ادبیات ارمنی را پر بر و بار کرد. اوتیک ایساهاکیان (۱۹۵۷-۱۸۷۵)، نویسندهٔ کلاسیک، که براستی عاشق فرهنگ عامهٔ کردی بود و نقش مهمی در گسترش پیوندهای ادبی ارمنی - کردی ایفا کرد، چنین می‌گوید: «از کودکی دوستان کرد بسیاری داشتم. برخی در آلاگیز، برخی در شیراک، و برخی دیگر در نخجوان و دیگور [قارص] زندگی می‌کردند. همواره به زندگی و سرنوشت کردها دلبستگی داشتم... با علاقهٔ فراوان با فرهنگ عامهٔ پربرابر کردی آشنا شدم. موسیقی کردی، نوای نی شبانان کرد هنوز هم روح مرا به هیجان

می‌آورد. شاهکارهای فرهنگ عامهٔ کردی که در کودکی آموختم، هنوز در یادم زنده‌اند." آ. ایساهاکیان به پژوهشگران ادبیات و نویسندگان سفارش کرده بود فرهنگ عامهٔ کردی را گردآوری و بررسی کنند؛ او همچون ماکسیم گورکی، ادبیات شفاهی مردمی را گنجینهٔ معنوی گرانبهایی می‌دانست. قهرمانان اصلی داستان‌های «کرد آمو» و «حسن آقا» کردها هستند؛ این کارها که بر پایهٔ رویدادهای واقعی نوشته شده‌اند، کردها را به نمایش می‌گذارند. کاری چون «نادوی عاشق» را تنها نویسنده‌ای می‌توانست بیافریند که با ادبیات مردمی کردها آشنایی ژرف داشته باشد.

از بیست و پنج سال پایانی سدهٔ نوزدهم، در ادبیات ارمنی باختری جریان‌ی شکل گرفت که نمایندگان آن - نویسندگان و شاعران - عمدتاً زندگی روستایی را بازتاب می‌دادند. در کنار نمایانند چهرهٔ دهقانان ارمنی، نویسندگانی چون گارگین سرواندزتیانتس، تلکاتیتسه، روبن زارداریان، گراند، مشو گغام، اماسخ، آکوپ میندزوری همسایگان کرد را نیز به تصویر کشیده، با ترسیم شیوهٔ زندگی پدرسالارانه آنان، بر روانشناسی و جهان‌بینی شخصیت‌ها روشنی می‌افکندند. در سال ۱۹۲۱، آکوپ لازو (کازاریان)، گردشناس برجسته، نویسنده و آموزگار بر پایهٔ خط ارمنی الفبای کردی را تدوین کرد و روی کتاب درسی «شمس» برای مدرسه‌های کردی کار کرد. در تهیهٔ این الفبا، بدریگ، بدرخان بیگ، میرد میران و اسماعیل بابو به او یاری رساندند. این کتاب الفبا در اچمیادزین چاپ شد و برای کلاس اول مدرسه‌های کردی در ارمنستان و گرجستان در نظر گرفته شد. در این مدرسه‌ها آموزگاران ارمنی نیز درس می‌دادند. با این حال، کاستی الفبای کردی بر پایهٔ خط ارمنی این بود که کردهای خارج از ارمنستان، نمی‌توانستند از آن بهره‌برداری کنند و افزون بر آن، ویژگی‌های آوایی زبان کردی را بطور کامل در بر نمی‌گرفت.

دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان با در نظر گرفتن خواست کُردهای ساکن ارمنستان، در سال ۱۹۲۵ تصمیم به وجود آوردن الفبای کُردي بر پایه خط لاتین گرفت. تهیه و ارائه «دستور زبان زبان کُردي» در کمیساریای آموزش به عهده استاد ی.آ. اوربلی گذاشته شد.

در سال ۱۹۲۹، ع. شامیلوف و ا. ماروگولوف، کُردشناسان برجسته، بر پایه خط لاتین، الفبای کُردي را درست کردند؛ کاری که برای نویسندگان آن ۷ تا ۸ سال آمادگی و پژوهش آغازین نیاز داشت. در سال ۱۹۳۰، جامعه ادبی کُرد سالگرد تصویب این الفبا را جشن گرفت و در تناثر دولتی ایروان مراسم باشکوهی برگزار گردید.

در همان سال ۱۹۳۰، در چارچوب اتحادیه نویسندگان ارمنستان، انجمن ادبی نویسندگان کُرد برپا شد که زمینه ساز تمرکز نیروهای ادبی و تأثیرگذاری مثبت بر رشد ادبیات کُردي گردید. در این دوره، با سخت کوشی کارهایی از نویسندگانی چون عرب شمو، حاجی جندی، وزیر نادری، جاسمه جلیل، عطاره شارو، احمد میرازی، نوری جیسانی، آمینه اودال، جاردوی گنجو به چاپ سپرده شد.

تکمیل الفبای کُردي و گسترش آموزش و فرهنگ در میان کُردها به بالندگی بیشتر ادبیات یاری رساند و پرباری هنری - مضمونی و تاریخی - فکری آن را رقم زد.

از روز ۲۵ مارس ۱۹۳۰، در ایروان انتشار روزنامه کُردي «راه نو» آغاز شد. در سال ۱۹۳۱ نیز در ایروان دانشسرای تربیت آموزگار کُردهای ماورای قفقاز گشایش یافت و شامیلوف، نویسنده شناخته شده عرب، نخستین مدیر آن بود. بسیاری از دانش آموختگان این آموزشگاه بعدها در پهنه های ادبیات، فرهنگ و علم فعالیت گسترده ای داشتند.

در سال ۱۹۳۱، کمیساریای آموزش ارمنستان هیات ویژه ای را برای نگارش و انتشار میراث فرهنگ عامه کُردي سازماندهی کرد که هموندان

آن آ. خاچاتوریان، ح. جندی، ج. گنجو، ک. زاکاریان و دیگران را در برمی گرفت. در سال ۱۹۳۳، واژه نامه کُردي - ارمنی منتشر شد و در سال ۱۹۳۵، فرهنگ زبانزد های (اصطلاحات) کُردي - ارمنی از چاپ درآمد. نخستین کتاب در برگیرنده نوشته های فرهنگ عامه کُردي و جنگی از ترانه های مردمی کُردي در سال ۱۹۳۶ منتشر شد و این امر به شکل گیری زبان ادبی کُردي و سرشاری پیوندهای ادبی ارمنی - کُردي کمک شایانی کرد.

در ایروان، از ۸ تا ۱۴ ژوئیه ۱۹۳۴، کنفرانس سراسری اتحاد جماهیر شوروی با شرکت فرهیختگانی از مسکو، لنینگراد، باکو و تفلیس برگزار شد و از آن میان دستور زبان ادبی کُردي مورد بحث قرار گرفت.

در سال ۱۹۳۵، با کوشش دانشسرای تربیت آموزگار کُردي ایروان، تناثر سیار کُردي شکل گرفت و در استان ها نمایش به روی صحنه برد.

الفبای نوین کُردي بر پایه خط روسی در سال ۱۹۴۴ با همکاری فرهیختگان کُرد و ارمنی به وجود آمد. انتشار ادبیات هنری کُرد، نگارش کتاب های درسی و کمک درسی در این دوره وسعت بیشتری یافت. برپایی اتحادیه ویژه شاعران و نویسندگان کُرد در ارمنستان بر شکل گیری ادبیات کُردي در ماورای قفقاز تاثیر مثبتی بر جای گذاشت. کار ترجمه نیز بطور وسیعی گسترش یافت و کارهای نویسندگان کُرد به زبان های ارمنی و روسی برگردانده شد.

شکل گیری ادبیات کُردي در ارمنستان و ارتباط آن با جریان ادبیات ارمنی در کارهای ح. جندی مانند «ادبیات کُردي در ارمنستان شوروی» و «بیان ادبیات کُردي در ارمنستان شوروی» کالبد شکافی شده است. جندی به بررسی موضوع دوستی ملت های ارمنی و کُرد در فرهنگ عامه کُردي پرداخت و در زمینه بررسی و خوانش ادبیات شفاهی مردمی و کُردهای خارج از کشور فعالیت پرباری داشت. سهم او در گردآوری و



انتشار نمونه‌های فرهنگ عامه کردی بسیار مهم و چشمگیر است.

کارلنه چاچانی، شاعر و پژوهشگر، سال‌ها به بررسی روابط تاریخی ملت‌های ارمنی و کردی پرداخته، کتاب‌هایی چون «گردهای ارمنستان شوروی در ۴۰ سال» و «در خانواده برادرانه ملت ارمنی» منتشر کرده است. او از رساله دکتری خود دفاع کرد و کتاب «از تاریخ دوستی ملت‌های ارمنی و کردی» را به چاپ سپرد. این پژوهشگر به‌درستی نقش سرآمد افکار عمومی و ادبی پیشرو ارمنی و روسی در رشد ادبیات و فرهنگ کردی را بازنمایی کرده است. او پیشرفت اقتصادی و فرهنگی کردها در ارمنستان را با کمک برادرانه ملت ارمنی در پیوند می‌داند.

در پیوندهای ادبی ارمنی - کردی، دوزبانه گی بعنوان ویژگی بارز فرآیند ادبی چندملیتی شوروی نقش مهمی ایفا کرده است. نویسندگانی چون چ. آیتماوف، ی. شیستالوف، چ. حسینوف، و. سانگی، او. سلیمانوف و بسیاری دیگر به زبان روسی چیرگی داشته و دارند و بسیاری از آنان دو زبانه هستند. در کارهای پژوهشگران ادبی، همانند گ. لومیدزه، ی. حسینوف، ن. نادیارنیخ، م. پارخومنکو نقش مثبت دو زبانه گی جای نمایانی دارد.

نویسندگانی چون نادو محمودوف، میکائیل رشید، کارلنه چاچانی، علی‌خان مامه، کاناد چرکزیان کارهای خود را هم به زبان مادری و هم به زبان ارمنی می‌آفرینند. در این میان، میکائیل رشید در سروده ای با عنوان «من به ارمنی می‌خواندم» می‌نویسد:

آنجا برایشان ترانه های روسی می‌خواندم،
هر بار رساتر و پرشورتر،
و دره‌های میهنم
با پژواکی محبوب با من هم آواز می‌شدند.

و روس‌ها، کودک وار،

از من پرسیدند: | «چرا هیچ‌گاه
ترانه‌های سرزمین مادریت را برای ما
نمی‌خوانی؟

و من با نگاه به افق‌های ارغوانی
در پاسخ «تسیتسرناک» را خواندم.
آنها گام‌های خویش را با ترنم من هم‌نوا کردند
خاموش راه می‌سپردند،

در آن شب احساس کردم،
چگونه این ترانه دل‌هایشان را در مشت گرفته
است،

و آواز ارمنی، بی‌نیاز از ترجمان،
تا واپسین کلام برایشان قابل درک بود»

یکی از کانون‌های اصلی که به پرسمان‌های گردشناسی می‌پردازد، بخش گردشناسی مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم ارمنستان است که پژوهشگران آن یک تکنواری جمعی با عنوان «گردشناسی» زیر نظر گ. آکوپوف منتشر کرده‌اند. این کتاب به موضوع‌هایی چون جمعیت کردها در ترکیه، ایران و عراق، موسیقی عامیانه کردی، مناسبات ارمنی - کرد و مسائل مختلف ادبیات و فرهنگ عامه کردی می‌پردازد.

اکسل باکوتنس (۱۸۹۹-۱۹۳۷): یکی از نخستین نویسندگان ارمنی شوروی بود که به موضوع کردها پرداخت. در سال ۱۹۲۵ کارهای او با عنوان‌های «نامه‌هایی از استان» و «نامه‌هایی از روستا» منتشر شد. در گزارش‌ها و داستان‌های نویسنده، بخش‌های ویژه ای از زندگی کردها، از جمله زندگی کوچ‌نشینی، به تصویر کشیده شده‌اند. در دهه ۲۰ میلادی، موضوع زندگی کوچ‌نشینی کردها اهمیت ویژه‌ای یافت. زندگی کوچ‌رویی به‌عنوان عاملی برای واپسماندگی آنان ارزیابی شد. داستان‌های باکوتنس، همانند «در بیلاق‌های زنگرور»، «سارالی» و «داستان‌های مورو»، زندگی کوچ‌نشینی و سنت‌های کردها را

به‌خوبی بر می‌تاباند.

گُردها تبدیل می‌کند. ریپسیمه پوگوسیان در شعر «سروی» با روحی دردمند زندگی دشوار قهرمان خود را بازآفرینی می‌کند و صحنه‌های زندگی یک کودکی تلخ و واقعیت سخت را نشان می‌دهد:

سال‌ها پیش، در شهری بزرگ،
در زیرزمینِ نور یک خانهٔ سنگی،
در کنجی که به خود نمی‌دید رنگ آفتاب را،
و نمی‌شناخت عطر بهار را،
دخترک پاپتی‌گُردی به نام سروی
با مادری بیمار زندگی می‌کرد.
یگانه تکیه‌گاه مادر بیمار،
سروی بود که همه بهارهای زندگی
را بر دوش‌های ناتوان خود می‌کشید،
اما پاره‌ای رویاهای روشن - نه خواب،
و نه یکسر خیال - به او نیرو می‌بخشیدند.

او وقت برای بازی‌های کودکانه نداشت،
دستان سروی خستگی نمی‌شناخت،
دخترک گُرد از سپیدهٔ صبح تا سپاهی شام،
کار می‌کرد تا نان بر سر سفره آورد و شکم خانواده
را سیر کند.

زمان، دخترک را از رنج‌های فرساینده و سنگین
رهایی می‌بخشد و زندگی تازه‌ای آغاز می‌شود؛
یک زندگی سرشار از آرزوهای والا.
در ادبیات ارمنی، افزون بر کارهای ویژه‌ای که
موضوع آن گُردهاست، آثار پر شماری نیز وجود
دارند که به دوستی ارمنی - گُرد می‌پردازند و این
روند از دههٔ ۱۹۴۰ میلادی دامنهٔ بیشتری یافت.
از آن میان می‌توان به رمان‌های برجسته زیر
اشاره کرد: گ. استپانیان، «روزهای وحشتناک»،
آ. خاچاتوریان، "در میان آتش"، ب. وردیان،
"رزهایم در دوردست‌ها باقی ماندند"، س.
تورگومیان، «آتش‌ها خاموش‌شدنی نیستند»،
ز. داریان، «عقاب واسپورکان»، گ. سیراس،

ن. زاریان (۱۹۰۰-۱۹۶۹) نویسنده و کارشناس
فرهنگ عامه گُردی بود. او داستان «زنبیل
فروش» را که در نخستین گزیدهٔ ادبیات
گُردی به زبان ارمنی گنجانده شده بود، «رُمان
مردمی گُردی» نامید. «زنبیل‌فروش» - یکی از
زیباترین نمونه‌های فرهنگ عامه گُردی است
که توجه شاعران و نویسندگان گُرد و ارمنی و
فولکلورشناسان را به خود جلب کرده است.
زاریان برای نخستین بار در ادبیات ارمنی، در
حماسهٔ «صخره روشن»، شخصیت یک گُرد
- نوروز - هموند تعاونی دولتی، نماینده دهقانان
زحمتکش - را آفرید. نویسندگان ارمنی کوشیدند
که جنبه‌های مهم زندگی مردم گُرد را نشان دهند
و پی به مسایل مبرم آنها در دهه‌های ۲۰-۳۰
میلادی ببرند. یکی از موضوع‌های مورد توجه،
مسئله آزادی زنان گُرد بود که در ادبیات ماورای
قفقاز اهمیت یافت و در داستان‌ها و رمان‌هایی
چون «اسمر» نوشتهٔ سیراس، «ماله» نوشتهٔ
گارگین بیس، «زبیده» نوشتهٔ مکرتیچ آرمن،
«دختر گُرد» نوشتهٔ مکرتیچ سارکیسیان، «خجه»
نوشتهٔ راجیا کوچار و «حسن» نوشتهٔ استپان
زوریان و کارهای دیگری بازتاب یافت.

به موضوع گُرد در شعرهای ارمنی نیز توجه زیادی
شده است. در کارهای سارمن، منظومهٔ «لطیفه»،
که سرشار از اندیشه‌های انقلابی - رمانتیک
است، جایگاه ویژه‌ای دارد و محور آن چهرهٔ
گیرای دختری گُرد برخاسته از خانواده‌ای ندار و
دست به دهان است. اراده پولادین و گرایش به
دانش‌اندوزی به او این توانایی را می‌بخشد تا به
کامیابی‌های پیش‌بینی‌ناپذیر دست یابد: او به
معمار و طراح پروژه نوسازی روستای خود تبدیل
می‌شود. خانه‌های قدیمی رفته رفته ناپدید شده و
جای خود را به سکونتگاه‌های امروزی می‌دهند.
آنچه در آن زمان واقعی بود، امروز به نظر کم یا
بیش زاینده خیال می‌آید و شاعر، این واقعیت
های روزمره را به شعری اصیل از سرنوشت نوین



«سرزمین مادری»، آ. مکرтчیان، «دفتر خاطرات سرباز ناشناس»، ر. گاکارین، «خورشید در هنگام غروب زیباست»، س. خانزادیان، «بگوئید، کوه‌های ارمنستان»، ن. زوریان، «زندگی دوم».

در این رمان‌ها، صحنه‌های فراوانی وجود دارد که نگاه خواننده را به سوی دوستی و برادری میان ملت‌های گُرد و ارمنی می‌کشاند.

هم‌آوایی میان منظومه «آنوش» اثر ا. تومانیان و «گولزار» اثر آ. آودال را نمی‌توان تنها با تاثیر یک نویسنده بر دیگری توضیح داد؛ بلکه همگونی گرایش‌های نوع‌شناختی [تیپولوژیک] عامل تعیین‌کننده این فرآیند است. داده‌های زندگی از واقعیت‌های دوران پیش از انقلاب [اکتبر] گرفته شده است و سرگذشت عشق جوانان، سارا و آنوش در کار او. تومانیان و زورو و گولزار در کار آودال، خطوط داستانی را به هم نزدیک می‌کند. آداب و رسوم و سنت‌های پدرسالارانه، که موازین اخلاقی را سروسامان می‌دهد، دیواری گذرناپذیر بر سر راه عشق به وجود می‌آورد. اگر سارا آنوش را می‌رباید، زورو ناگزیر می‌شود گولزار را با خود ببرد.

آفریده‌های ادبی یاد شده از نظر خطوط داستانی و ویژگی‌های ملی متفاوت هستند. با وجود این، هم‌آهنگی در پیرنگ و بن‌مایه، حماسی بودن و واقع‌گرایی، نزدیکی آرایه‌های هنری، همسانی رویکردهای نوع‌شناختی را ثابت می‌کند. پویایی داستان‌ها، ویژگی چهره‌ها، افزون بر آن، نزدیکی تأثرات عاشقان، احساسات، جهان عشق و رنج‌ها، متن و سبک نویسندگانشان را به هم نزدیک می‌کند. میان این دو منظومه شباهت‌های بسیاری وجود دارد، به گونه‌ای که در نگاه نخست، «گولزار» همچون گونه گُردی «آنوش» جلوه می‌کند. اما این تنها یک برداشت ظاهری است. در حقیقت، منظومه آ. آودال کاری است مستقل و تازه که سرشار از رنگ‌مایه گُردی و سنت شاعرانه خاص خودش است. مقایسه آنها

نشان می‌دهد که هر یک از شاعران، به شیوه‌ای آفرینش‌گرانه، فُرم داستان عاشقانه خاور زمین را به کار گرفته‌اند.

در منظومه «نادو و گولزار» نوشته وزیر نادری و منظومه «نادوی عاشق» نوشته آ. ایساهاکیان، موضوع‌ها و بن‌مایه‌ای همانند - شبیه شجاعت قهرمانان در دوران جنگ جهانی دوم، عشق به میهن و همدلی - مطرح می‌شود. وزیر نادری در تمام کارهای خود ارتباط نزدیکی با هنر آ. ایساهاکیان دارد و بازتاب آن در منظومه «نادو و گولزار» اشعار و داستان‌های او دیده می‌شود.

میان کارهای آ. ایساهاکیان و ف. اوسوب شباهت بنیادی وجود دارد که این از ژانر حماسی و نوع اندیشه ورزی شاعرانه آنها سرچشمه می‌گیرد. منظومه «أبو العلاء المعری» سروده او. ایساهاکیان و «اوسوبه ناویا» سروده ف. اوسوب از نظر فُرم به هم نزدیک هستند و در سنت مثنوی و قالب تک‌نگارهای فلسفی - شاعرانه [لیریک] به روی کاغذ آمده‌اند.

شاعران گُرد آفرینش‌گرانه از بزرگ‌نمایی رُمانتیک و سبک شاعرانه او. [اوانیک] شیراز بهره‌برده‌اند. با همسنجی شعرها و منظومه‌های مجموعه او. شیراز - «لیر ارمنی» - و کتاب ش. [شکو] حسن - «پرواز وطن» - نزدیکی در برداشت شاعرانه و تمثیلی، جان‌بخشی به انسان معاصر به عنوان تجسم نیروی تسلیم‌ناپذیر، و تصویرسازی شعری پر دامنه به چشم می‌خورد. کارهای پیشگفته ناخودآگاه یادآور کارهای استادان سخنی چون ن. [ناظم] حکمت، پ. [پابلو] نرودا، ر. [رسول] رضا و ا. مژلایتس است. جست‌وجوهای هنری ویژه و قوانین مشترک رشد، ادبیات ملی را به یکدیگر نزدیک می‌کند.

ش. حسن، ف. اوسوب و چ. راش برای بیان احساسات انترناسیونالی خود، از آرایه‌های پر استعاره کارا، گویا و عاطفی بهره می‌گیرند و از فُرم‌های روایت‌گرانه غنایی - سیاسی و اجتماعی به سمت روایت‌های حماسی حرکت می‌کنند.

شباهت نوع‌شناختی ژانرها، اصول سبکی و هنری، ساختار و سبک نوشتاری نشان‌دهنده‌ی وحدت دیدگاه‌های زیبایی‌شناختی است، اما در همان حال، این کارها دارای نوآوری‌های بی‌همتای خاص خود هستند. هر شاعری می‌کوشد به نازک‌اندیشی‌های هنری و آرایه‌های ویژه‌ای دست یابد، شیء تصویر شده را شاعرانه و با ویژگی‌های خاص خود به کمال برساند.

بیان موضوع‌های بین‌المللی در ادبیات‌گردی دارای شکل‌ها و سنت‌های متفاوتی است. یکی از این فرم‌ها اشاره مستقیم به ارمنستان و ایروان است.

گروه دیگری از شعرها به کلاسیک‌های شعر ارمنی مانند سایات-نووا، او. تومانیان، آ. ایساهاکیان و پ. [بارویر] سواک اختصاص داده شده‌اند. سایات-نووا، آوازخوان دوستی ملت‌ها، در شعر هم‌نام خود، از آیزه ایسکیو با رمانتیکسمی بالا به تصویر کشیده شده است. شعرهای پرشور و سرشار از حس برادری، از سوی شاعران‌گردی چون ج. جندی، آ. عبودرحمان و آ. ایسکو به سایات-نووا اختصاص داده شده‌اند. همچنین شعرهای «آوتیک ایساهاکیان» سروده ج. اسد، «آوتیک ایساهاکیان» سروده ج. جلیل، «او. تومانیان» سروده م. رشید و «اوانس تومانیان» سروده ک. چاپانی، بیانگر احساسات پاکدلانه عشق و احترام به شخصیت و خبرگی فرزندان بزرگ ارمنستان است.

نادو محمودوف در کارهای خود بطور گسترده و حماسی به دوستی و پیکار مشترک ملت‌های گُرد و ارمنی، همسویی زندگی روزمره و سنت‌هایی که بر بنیان گذشته تاریخی مشترک ایشان شکل گرفته‌اند، پرداخته است. در کتاب داستان‌هایش به نام «در سرزمین‌های مادری»، صحنه‌های زنده و واقع‌گرایانه از زندگی ارمنی‌ها بنیانی استوار برای شخصیت‌های گوناگون آن فراهم می‌سازد. نثر خاطره‌نگاری ن. محمودوف با چهره پردازی‌های واقعی از خاچو در داستان «دواژوی

کوچک»، آموزگار زبان ارمنی در داستان «آموزگار محترم من» ستایش برانگیز است. این نگارخانه شخصیت‌های پیرامون نویسنده است که به پیش نمونه‌ای [پروتوتیپ] از قهرمانان محبوب تبدیل شده‌اند. از همین جا راستین بودن سرشت، رفتار و روانشناسی اشان سرچشمه می‌گیرد. افزون بر این، کم نیستند تابلوهای پر «گل»ی که شخصیت اصلی آن (مانند چهره کاراپت در رمان «شب تاریک» نوشته میروه اسد)، محور ساختاری و داستانی اثر را تشکیل داده و ویژگی‌های یگانه کل آن را تعیین می‌کند.

ادبیات ارمنی به زبان‌گردی به گونه‌های رنگارنگ و گسترده ارائه شده است. پیوندهای ادبی ارمنی - گردی از نظر تاریخی خویشاوند و کارا هستند. نخستین اثر ادبی ارمنی که به زبان‌گردی ترجمه شد، نمایشنامه‌ای از آ. آراتیان به نام «زاهد ریاکار» (۱۹۳۰) بود. در نثر ارمنی، نخستین نمونه «داستان [در باره] جاسیم» نوشته لازو (آکوپ کازاریان) بود. در سال‌های بعد، شمار ترجمه‌ها بیشتر شد و ترجمه‌هایی چون «۱۲ ترانه برای مدارس گردی» از س. گاسکاریان و «گسوتکا» از آ. کازاریان و جز آن در زندگی ادبی مورد توجه قرار گرفتند.

با کوشش شاعران و مترجمان، بهترین نمونه‌های ادبیات‌گردی در دسترس خوانندگان کشورهای گوناگون قرار گرفت. ج. جلیل به طور پیگیر کارهای ا. تومانیان را به زبان‌گردی ترجمه می‌کند و بهترین نمونه‌های ادبیات کودک، مانند «آقا و نوکر»، «پایان شر» و «نزار شجاع» نوشته کلاسیک ارمنی ا. تومانیان را به زبان‌گردی برگردانده است. برگزیده آثار تومانیان بارها با ترجمه ج. جلیل منتشر شده‌اند.

موضوع‌های گرجی در ادبیات کلاسیک گردی، تصویرهای زندگی‌گردها در شعرها، منظومه‌ها و تاریخ‌نگاری گرجی واقعیت تاریخی و گوناگونی روابط ادبی گرجی - گردی را تأیید می‌کند. این



نکته درخور اهمیت است که در منظومه «شوالیه در پوست ببر» از شوتا روستاولی، «معمار ادبیات گرجی» (آ. ایساکیان)، به روشنی و پراستعاره سیمای کُرد به تصویر کشیده شده است؛ تصویری که با رخنه گری ژرف در گوهر خُلق و خوی مردم و آگاهی از زندگی ملی، شگفتی می‌آفریند. هنگامی که ت. ناتراشفیلی درباره تاریخ کردستان در سده‌های میانه و سردار افسانه‌ای سلطان صلاح‌الدین می‌نویسد، جنبه روشن کارهای روستاولی و خانی در آن احساس می‌شود. بسیاری از شاعران کُرد آفریده‌های خود را به هنر و میراث شعری شوتا روستاولی اختصاص دادند. شاعران، فرهیختگان و تاریخ‌نگاران کُرد با ژرف نگری و حساسیت‌های گوناگون، به ستایش، بررسی و توصیف گرجستان می‌پردازند، تصویرهایی از گرجیان می‌آفرینند، چشم اندازها و یادمان‌هایش را باز می‌نمایند و از تاریخ کهن و شگفت‌انگیز آن سخن می‌گویند. در این میان، کارهای نمایندگان نامدار ادبیات کُردی سده‌های میانه - فقی تیران و احمد خانی - و نیز تاریخ‌نگار بزرگ کُرد، شرف‌خان بدلیسی، توجه ویژه‌ای را به خود جلب می‌کند. محمد فقی تیران در منظومه شیخ صنعان، تصویری هنری از دختری گرجی آفریده است. چنان که می‌دانیم، بسیاری از استادان ادب خاور زمین، چهره‌های دل‌انگیزی از نیمه زیبای بشریت خلق کرده‌اند؛ از آن جمله‌اند شاعرانی چون فخرالدین عطار (۱۱۱۹-۱۱۹۳)، وحدت گیلانی، علی شیر نوایی (۱۴۴۱-۱۵۰۱)، حسین جاوید و دیگران. در نوشته‌های کهن فرهنگ عامه کُردی داستانی وجود دارد که از نظر موضوع به «شیخ صنعان» شباهت دارد و نام آن «دختر گرجی» است. شباهت این داستان با منظومه فقی تیران شگفت‌انگیز است. به نظر می‌رسد شاعر برای آفریدن کار خود، از افسانه‌ای شایع در میان مردم بهره گرفته است. همانند دیگر شاعران سنتی

خاور زمین، تیران توانایی بالندگی عشق را ستوده است: عشق پر فراز و نشیب و رنجبار صوفی صنعان به دختر گرجی. در میان کُردهایی که در گرجستان زندگی می‌کنند، نمونه‌های فرهنگ عامه از عشق و شکیبایی دختران گرجی بسیار رایج است.

موضوع‌های گرجی جایگاه چشمگیری در دیگر ژانرهای فرهنگ عامه کُردی نیز دارد؛ به‌ویژه در قصه‌ها و بایاتی‌هایی که تیفلیس و گرجستان را ستایش می‌کنند. احمد خانی که شیفته زیبایی‌های گرجستان شده بود، در منظومه پرآوازه مم و زین، چشم اندازهای طبیعی فراموش‌نشده‌ای از آن آفرید. این شاعر بزرگ کُرد، که با تاریخ و فرهنگ گرجی به خوبی آشنا بود، هنگام توصیف قهرمانانش، از الگوهای هنری رایج در اشعار خلق‌های برادر بهره می‌گیرد. او با احترامی ژرف درباره مردم گرجستان و سرزمین زیبایش سخن می‌گوید. شاعران کُرد و گرجی گاهی موضوع‌های مشترک خاور زمینی را باز می‌آفرینند، مانند «لیلی و مجنون» و «یوسف و زلیخا».

شایان توجه است که ویژگی‌های مشترکی در آثار شاعران بزرگ گرجی سده‌های میانه - تیمورازه اول و آرچیل دوم -، و شاعران کُرد - ف. تیران و ح. بدلیسی - دیده می‌شود. نزدیکی و هم‌نوایی در محتوا و شکل آثار آنها آشکار است. می‌توان منظومه‌های احمد خانی، مم و زین و «مصائب گرجستان» سروده داوید گورامیشویلی (۱۷۰۵-۱۷۹۲) را با هم مقایسه کرد. احمد خانی با افتخار رو به جهان، از شجاعت و استواری کُردها سخن گفته است. او همچنین با دل‌تنگی از دعوای درون قبیله‌ای کُردها می‌نویسد و هم‌قومان خود را به یگانگی فرا می‌خواند و آن را مهم‌ترین وظیفه می‌داند.

تاریخ‌نگار و شخصیت برجسته کُرد، شرف‌خان بدلیسی، در «شرف‌نامه» داده‌های جالبی درباره مجموعه‌ای از مسائل تاریخی، اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌کند. افزون بر این، در

«شرف‌نامه» داده‌هایی دربارهٔ شخصیت‌های دولتی گرجی، آداب و سنت‌ها و پاره‌ای رویدادهای تاریخی گرجستان نیز آمده است. پس از قرارداد ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ بین روسیه و ایران، بسیاری از کُردها به ماورای قفقاز، از جمله گرجستان، کوچیدند. نخبگان کُرد با وجود سنگ اندازی‌های ماموران و حکومت تزاری، برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی در میان مردمِ درگیر مبارزه‌ای دشوار بودند.

نخبگان پیشرو گرجی در زمینهٔ آموزش و آگاهی‌رسانی به کُردها بسیار کوشیدند. در دهه‌های ۲۰-۳۰ سدهٔ بیست، چاره‌اندیشی‌هایی برای شتاب بخشیدن به روند شکل‌گیری ادبیات کُردی انجام شد. در سال ۱۹۲۶، در باتومی، انجمن فرهنگی و آموزشی برای کُردهای ایزدی برپا شد که نقش مثبتی در گسترش فرهنگ کُردی در گرجستان ایفا کرد. از دههٔ ۱۹۵۰، نشست سالانهٔ ادبیات کُردی بطور منظم در تفلیس برگزار می‌شود. در اتحادیهٔ نویسندگان گرجستان، شعبه‌ای برای نویسندگان کُرد ایجاد شده است. همچنین برنامه‌ای به زبان کُردی از رادیوی گرجستان پخش می‌شود. همه‌ی این چاره‌اندیشی‌ها، پیوندهای ادبی و فرهنگی میان گرجی‌ها و کُردها را به شکل چشمگیری پررنگ و بار کرده است.

پژوهش‌های پرشماری از سوی دانشمندان گرجی انجام شده است که هم از جنبه‌ی زبان‌شناسی و هم تاریخی به پیوندهای ادبی گرجی - کُردی و مسائل مربوط به کُردشناسی پرداخته‌اند. به ویژه باید از کنشگری‌های آ. م. منتشاشویلی، پژوهشگر پرآوازهٔ جنبش ملی - آزادی‌بخش کُردها در خاورزمین، و کار او با عنوان «از تاریخ جنبش ملی - آزادی‌بخش کُردها در ایران، ۱۹۱۹-۱۹۲۵» یاد کرد.

در سال ۱۹۶۳، آ. منتشاشویلی از پایان‌نامهٔ دکترای خود با عنوان «برخی مسائل جنبش ملی - آزادی‌بخش کُردها در عراق» که به بررسی

جایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کُردستان عراق در آغاز سدهٔ بیستم؛ خیزش کُردها در سال ۱۹۱۹ در سلیمانیه؛ و جنبش ملی - آزادی‌بخش کُردها در سال‌های ۱۹۲۲-۱۹۲۵ می‌پرداخت، دفاع کرد. بخش خاصی از پژوهش‌های او در زمینه کُردشناسی در تکرانش با عنوان «عراق در سال‌های زیر سرپرستی سیاسی انگلیس» منتشر شده است. فصل چهارم تکرانش، با عنوان «ملت‌های کوچک عراق در دوران زیر سرپرستی سیاسی انگلیس»، بطور کامل به جنبش کُردها می‌پردازد. در این فصل، جنبش ملی - آزادی‌بخش کُردها پیش از سرپرستی سیاسی، مبارزات کُردها برای خودمختاری در نخستین سال‌های سرپرستی سیاسی و جنبش ملی - آزادی‌بخش کُردها تا پایان دورهٔ سرپرستی به گونه‌ای فراگیر بررسی شده است.

آ. م. منتشاشویلی در پژوهش‌های خود بر کارهای کُردشناسان اروپا و آسیا تکیه کرده است. در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۸، گلچینی از کارهای او منتشر شد که بر پایهٔ سخنرانی‌هایش در دانشگاه دولتی تفلیس بود، از جمله: «مسائل ارضی در کُردستان معاصر»، «کُردها و کُردستان» و «تاریخ کُردهای خاور نزدیک (سده‌های ده و بیست)». خدمات تردیدناپذیر آ. م. منتشاشویلی در زمینه کُردشناسی، از سوی پژوهشگران کُرد بسیار ارزنده ارزیابی شده است.

ای. مِگرلیدزه، پروفیسور و کارشناس ادبی، نقش چشمگیری در بررسی پیوندهای ادبی کُردی - گرجی داشته است. نوشتارهای او پیرامون ادبیات و فرهنگ عامهٔ کُردی، از آن میان نوشتارهایی درباره‌ی نویسندهٔ کُرد، ع. شامیلوف، و داستان «یوسف و زلیخا»، ارزشمند هستند. همچنین تکراری‌ای. مِگرلیدزه دربارهٔ فرهنگ‌وند (آکادمیسین) ای. اوربلی، که توجه ویژه‌ای به کُردشناسی دارد، جلب توجه می‌کند.

برگزاری روزهای فرهنگ کُردی، از جمله رویدادهای مهم در آستانهٔ شصتمین سالگرد



جمهوری سوسیالیستی گرجستان شوروی در تفلیس بود. در این روزها، نمایشگاه‌هایی از کارهای هنرمندان گرد برپا شد، نمایش‌هایی از تئاتر مردمی گرد برگزار گردید و مجموعه‌ای از فعالیت‌های هنری غیرحرفه‌ای گرد به نمایش درآمد. برای شرکت در روزهای فرهنگ گردی، هیأت‌های ویژه‌ای از نمایندگان ادبیات و هنر از ارمنستان و آذربایجان دعوت شدند. این جشن فرهنگی بطور گسترده در روزنامه‌های گرجستان بازتاب یافت و کتابچه‌ها و جزوه‌های ویژه‌ای منتشر شد. همه‌ی این کارها نشان‌دهنده‌ی توجه به فرهنگ گردی و اهمیت چشمگیر آن در روابط فرهنگی گرد و گرجی‌ها بود. کییا چوباباریا فیلمی به نام «ما - کردها» ساخت که عمدتاً درباره‌ی کردهای گرجستان بود. شخصیت اصلی فیلم، مردمانی که از یک سو نمود شکوفایی ملت گرد و از سوی دیگر نماد عشق و پیوند کردها با سرزمین گرجستان است. در این فیلم، دوره‌های گوناگون تاریخ روابط فرهنگی گرد و گرجی نیز به تصویر کشیده شده است.

در گرجستان شرایط لازم برای رشد و شکوفایی فرهنگ گردی فراهم شده است. در سال‌های اخیر در تفلیس، گروه آواز گردی، گروه آواز و ساز «دیلان» و گروه «ریا تازا» در خانه فرهنگ «ایسانی» هنرنمایی کردند. در سال ۱۹۷۹، رویداد مهمی در زندگی فرهنگی کردهای گرجستان رخ داد: به ابتکار اتحادیه‌های کارگری گرجستان، تئاتر مردمی گرد زیر نظر مرآز جعفرافوف، خبرنگار با استعداد، در تفلیس گشایش یافت. در زمانی کوتاه، این تئاتر هواداران زیادی پیدا کرد. افزون بر کارهای نویسندگان گرد، این گروه تئاتر نمایش‌هایی از نمایش نامه نویس آذربایجانی، م. شامخالوف «مادرشوهر»، نمایش نامه نویس گرجی ک. بواجیدزه «سگ بدی در حیاط است»، نویسنده‌ی کلاسیک ارمنی، گ. سوندوکیان «خاتابالا» و نمایش نامه‌نویس اوستی گ. خوگاف «آندرو و ساندرو»

و دیگران را نیز با کامیابی اجرا کرد. تئاتر مردمی گرد تفلیس تورهای نمایشی در قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و ارمنستان با موفقیت برگزار کرد.

موضوع گرجستان یکی از محورهای اصلی آفریده‌های هنری شاعران گرد است. آفریدن کارهایی پردامنه، شاعران گرد را از موضوع‌های ملی دور نمی‌کند، بلکه برعکس، باز نمای ژرفای دیدگاه‌های اندیشگی و زیبایی‌شناختی و رشد ادبیات [آنها] است. از این روست که شعرهای فریکه اوسیوا، مانند «سرزمین تفلیس» و «تفلیس»، زندگی و فرهنگ مردم گرجی را چنان خوب بازتاب می‌دهد که گویی شاعر با یک دوست همدل و خودمانی سخن می‌گوید. در هر سطر، عشق و احترام او به سرزمین، فرهنگ و تاریخ گرجی‌ها دیده می‌شود.

گسترده‌ی حضور موضوع گرجستان در شعر گردی بار دیگر نشان‌دهنده‌ی ژرفای پیوندهای تاریخی و معنوی ادبیات ماورای قفقاز است. نوشتارهای ن. حسن، آ. خودو، م. جعفرافوف، ک. چاچیان، چ. رشا و دیگران برگ‌های مهمی از تاریخ روابط ادبی گردی - گرجی به شمار می‌روند.

در گرجستان نخستین داده‌ها درباره‌ی کردها و گردستان در کارهای تاریخی به چشم می‌خورد: «زندگی پادشاهان کارتلی» نوشته‌ی لئونت مرولی (سده ۱۱) و «تاریخ پادشاهی گرجی» نوشته‌ی واخوشتی باگراتیونی (سده ۱۸)، م. جاوخیشویلی، گ. ملیکیشویلی، س. کاکابادزه، ک. کیکیلیدزه، گ. تسولایا و س. جاناشیا در کتاب‌هایی که بطور عمده به تاریخ گرجستان می‌پردازند، به دوره‌های تاریخ کردها پرداخته‌اند. برای ما، کارهای میخائیل جاوخیشویلی (۱۸۸۰-۱۹۳۷) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا او مجموعه‌ای از تصاویر بی‌همتا از کردها را خلق کرده است.

آ. کازاریان، مدیر نخستین مدرسه گردی بود که در سال ۱۹۲۱ در تفلیس گشوده شد؛ هم او بود

که نخستین نمایشنامه و فیلمنامه‌ی اولین فیلم سینمایی به نام «زارا» و دیگر کارهای هنری با موضوع زندگی کردها را آفرید. کنشگری‌های آ. کازاریان در زمینه پژوهش ادبیات کردی نیز شناخته شده است.

نویسنده بزرگ گرجی، نودار دومبادزه (۱۹۲۸-۱۹۸۴)، در کارهای گوناگون خود بارها و با ریزه کاری به موضوع‌های کردی پرداخته است. در داستان‌ها و رمان «نترس، مادر!» او با پاکدلی ویژگی‌های ملی و خصلت‌های زندگی روزمره کردها را نشان می‌دهد. دومبادزه با خرده سنجی شگفت‌انگیز، در هر مورد، خلق و خوی ملی و سرشت کردها را درک و بازنمایی می‌کند. برای نمونه، «آبو»، شخصیت کرد، در رمان «نترس، مادر!» می‌تواند چنان تصویری جمعی از بهترین ویژگی‌های انسانی - وفاداری، درستکاری، گرمی داشت و آگاهی از ارزش ملی - جلوه کند. کارهای چشمگیری از سوی نمایندگان نام‌آشنای شعر امروزین گرجی - گیزو نیشینایدزه و جاسوک چارکویانی - نوشته شده است. گ. نیشینایدزه در «منظومه تفلیس» با جوش و خروش از دوستی کردها و گرجی‌ها سخن می‌گوید، چرا که دوران کودکی شاعر در همسایگی کردها سپری شده بود. او با ریزه کاری به گفت و گو درباره سخت‌کوشی کردها، وفاداری در دوستی و دلبستگی آنها به گرجی‌ها می‌پردازد.

در ادبیات علمی پرخواهان امروزین گرجی، سرچشمه‌های بسیاری پیرامون زندگی شخصیت‌های تاریخی کرد وجود دارد. در کتاب گیرای ت. ناتراشویلی به نام «از خاور تا باختر»، بسیاری از رویدادهای کردستان در سده‌های میانه و زندگی سردار نامدار، سلطان صلاح‌الدین، بازسازی شده است.

موضوع کردها در ادبیات گرجی، موضوعی چندسویه است که درخور بررسی ویژه‌ای است و ما تنها بخشی از این دستمایه‌های سرشار را مورد توجه قرار داده‌ایم. کارهایی که درباره‌ی

دوستی دوسویه میان مردم گرجی و کرد نوشته شده‌اند، مانند ادبیات آذربایجانی و ارمنی برتابنده پیوندهای ژرف تاریخی و معنوی منطقه است.

ترجمه ادبی نویسندگان را از چارچوب ادبیات ملی فراتر می‌برد. ترجمه زمینه ساز آشنایی نزدیک و بدون میانجی با روان‌شناسی، سبک زندگی و تاریخ ملت‌ها می‌شود و جهان بینی‌ها و گوناگونی جستارهای آفرینشگرانه دامنه فراخ تری به خود می‌گیرد. این روند به توانمندسازی فرآیندهای ادبی و پیشرفت هنر کلام یاری می‌رساند. از این رو، گرایش گسترده‌ای به تاریخ و نظریه ترجمه وجود دارد. در همایش سالجشن هیات مدیره اتحادیه‌ی نویسندگان قزاقستان، او. سلیمانوف به درستی به همکاری متقابل در ترجمه بعنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در رشد ادبیات امروزین اشاره کرد.

از دهه پنجاه سده بیست، نخستین برگردان‌های شعر کردی در روزنامه‌های دوره‌ای گرجستان منتشر شدند و در مجموعه‌ها، سالنامه‌ها و کتاب‌ها به چاپ رسیدند. شاعران کردی که در گرجستان زندگی می‌کنند، از نخستین‌هایی بودند که به زبان گرجی شعر گفتند؛ امری که بس اندک در میان شاعران شهروند ارمنستان یا دیگر کشورها دیده می‌شود. در سال ۱۹۵۴، کتاب ترجمه شده‌ای به نام «شعرا و منظومه‌ها» منتشر شد که دربرگیرنده سروده‌های شاعران کرد مانند جاردو اسد، طاهره برو، باخچوی ایسکو، عزیزه ایسکو، ماروفه مامدا، کاجاخه مورادا، کالوزه مارو و آدوه جانگو بود و ترجمه کارهای آنها از سوی آ. میروخولاوا، ک. بویخیدزه، ای. خوشتارلا و ک. کالاتازه انجام شد. در پیشگفتار این مجموعه که توسط ریواز اورجونیکیدزه نوشته شد، غنای ادبیات کردی برجسته شد.

پس از انتشار سالنامه، مجموعه‌های دیگری مانند «شعرا و منظومه‌ها»، «زیر خورشید گرجستان»، «پیشاهنگان آلاگیری» و «ترانه خود را می‌خوانم» برای خوانندگان گرجی



پیشکش شدند. کارهای شاعران کُرد از آن میان ب. ایسکو، آ. ایسکو، ت. برو، ج. اسد و ج. آجو نیز از سوی انتشاراتی های گوناگون منتشر گردیدند. در میان فرهیختگان کُرد، شاعرانی دوزبانه پیدا شدند که کارهای خود را هم به زبان کُردی و هم به زبان گرجی می آفریدند.

داستان «شبان کُرد» نوشته ع. شامیلوف و جنگ «قصه های کُردی» که او آماده کرده بود، توجه زیادی را به خود جلب کردند. به دلایل گوناگون، شعر کُردی بیشتر از نثر به زبان گرجی ترجمه می شد؛ زیرا شمار نویسندگان کُرد نثرنویس ساکن گرجستان کمتر بود و روزنامه ها نیز به انتشار متن های شعری گرایش بیشتری نشان می دادند. وظیفه بسیار مهم، برگردان بهترین نمونه های ادبیات کُردی برای خوانندگان گرجی است که تأثیر مثبتی بر روابط ادبی کُردی - گرجی می گذارد. در سال ۱۹۶۱، روزنامه «راه نو» برگه ویژه به ادبیات گرجی اختصاص داد که در آن نوشتار ها و شعرهای آ. تسرتلی، آ. میرسخولوا و ر. مارگیانی منتشر شدند. شماره ای از روزنامه نیز به فرهنگ، ادبیات و اقتصاد گرجستان پرداخت. ای. آباشیدزه در نوشتاری با عنوان «قدرت ما در برادری است»، درباره دوستی تاریخی میان مردم کُرد و گرجی و شاعران کُرد ساکن گرجستان سخن گفت. در همان شماره، نوشتارهایی از نویسندگان کُرد منتشر شد که به ای. چاواوازه، گ. تابیدزه و ر. اریستاوی اختصاص داشتند و بخش هایی از کارهای شاعران گرجی نیز به کُردی ترجمه شده بودند.

ویژه نامه ای از «راه نو»، به مناسبت هشتصدمین سالگرد «شوالیه ای در پوست ببر» نوشته شوتا روستاولی اختصاص یافت. منظومه «شوالیه ای در پوست ببر» از سوی شاعران نامدار کُرد، ک. مراد و ت. برو، به زبان کُردی ترجمه شده است. نام شوتا روستاولی در دل و یاد مردم کُرد جایگاه ویژه ای دارد و کارهای او سرچشمه ماندگار الهام برای بسیاری از شاعران کُرد به شمار می رود.

از میان نویسندگان گرجی که به موضوع کُرد پرداخته اند، لازم است بویژه به م. جاوخیشویلی (۱۸۸۰-۱۹۳۷) اشاره کرد که از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که او در کارهای ادبی خود، تصاویری نه تنها از کُردهای گرجی، بلکه از کُردهای ایرانی نیز ارائه می دهد. در سال ۱۹۱۴، او به ایران سفر کرد، با نخبگان کُرد از نزدیک آشنا شد، با رهبران قبیله های کُرد دیدار کرد و با سرکرده کُرد، اسماعیل آقا، آشنا شد و بعدها با او دوست شد. به نشان دوستی، م. جاوخیشویلی و اسماعیل آقا هدایایی به یکدیگر دادند. یکی شمشیر پیشکش کرد و دیگری اسب. بدین ترتیب، این رویدادهای زندگی شخصی نویسنده، پایه و بنیان بسیاری از کارهای او شد. نام آشناترین آنها رمان «لومبالو و کوشا» است. در رمان «آرسنی از مارابید»، م. جاوخیشویلی تصاویری از کُردهایی می آفریند که در رده پیکارگران - انتقام جویان مردمی که دوشادوش با روس ها، اوکراینی ها و آذربایجانی ها، با هم دور آرسن گرد آمده اند و برای جامعه عمل پوشاندن به اندیشه جاودانه انسانیت - برای برقراری عدالت در سرزمین خود مبارزه می کنند.

روابط ادبی کُردی - گرجی، نمود آموزه های روستاولی و خانی، پیامد قانونمند دوستی ملت ها و عوامل پشتیبان روندهای همگرایی در جامعه است.

با سپاس فراوان از دوست گرانمایه ام میرحمید عمرانی (امید) برای ویرایش این ترجمه.

منبع: ماهنامه ادبی - هنری 'پروستور' شماره ۴، سال ۲۰۱۷، قزاقستان

<https://zhurnal-prostor.kz/assets/pdf.۹---۲۰۱۷-۰۴/۰۴-۲۰۱۷/۲۰۱۷/files>